



جلوه هایی از حقیقت وجودی نبی اکرم (ص) در قرآن کریم

از عایشه پرسیدند: اخلاق پیامبر چگونه بود؟ پاسخ داد: «خلق و خوی پیامبر(ص)، قرآن بود.» شخصیت جامع و چند بعدی پیامبر اسلام و کمال و عظمت معرفتی، اخلاقی و وجودی آن بزرگوار، قرآن مجسم و ناطق است...

از عایشه پرسیدند: اخلاق پیامبر چگونه بود؟ پاسخ داد: «خلق و خوی پیامبر(ص)، قرآن بود.» شخصیت جامع و چند بعدی پیامبر اسلام و کمال و عظمت معرفتی، اخلاقی و وجودی آن بزرگوار، قرآن مجسم و ناطق است که به عنوان نماد مطلق و تام انسان کامل؛ در میان آدمیان، حجت و الگویی ماندگار می باشد. اگر قرآن کریم، کلام تشریحی حضرت حق است، پیامبر اکرم (ص) کلمه الله الاعظم و کلام تکوینی خدا است. اگر قرآن کتابی است با حقایق جاودانه و همیشگی، پیامبر اکرم (ص) نیز حقیقتی عینی و جاودانه است. اگر قرآن بطون و لایه های معنایی و مصداقی عمیق و گسترده ای دارد که تلاش برای کشف آن حقایق باید استمرار داشته باشد، پیامبر اکرم(ص) نیز ذخیره ای تمام نشدنی و حقیقتی است عینی و انسانی که برای شناخت ابعاد مختلف شخصیت ایشان و دستیابی به عمق سیره، سلوک و سنت آن حضرت به جهاد و اجتهادی مستمر نیازمند است. اگر نیاز بشریت به قرآن هرگز پایان نمی یابد و تکامل علمی و اجتماعی انسان، نیاز او را به حقایق قرآن کریم نه تنها کاهش نمی دهد که روزافزون می سازد، نیاز انسان امروز و فردا به پیامبر اکرم(ص) و درس ها و آموزه های ایشان پایان ناپذیر است و اگر اسلام خاتم ادیان و قرآن خاتم کتب آسمانی است، پیامبر اکرم (ص) خاتم الانبیاء و قله رفیع کمال انسانی است. او خلیفه الله الاعظم و واسطه ابدی نزول فیض الهی است که: «و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین»؛ قرآن کریم نسخه مکتوب حقیقت نور محمدی (ص) است و پیامبر اکرم (ص) آینه تمام نمایی صفات حسنی حق و نور مطلق خداوند متعال بر عالم و آدم. پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «علی! کسی جز تو و من خدا را نشناخت و کسی جز خدا و تو مرانشناخت و کسی جز خدا و من تو را نشناخت. شناخت و معرفت حضرت حق- جل و علا- در حد اعلائی که برای غیرخدا میسر است، جز برای کسانی که در کانون نور محمد (ص) و علی (ع) قرار دارند، امکان پذیر نیست چرا که این معرفت و شناخت معرفتی است شهودی و نه ذهنی، معرفتی است متناسب با اوج کمال و تعالی شناسنده، نه مدرسه ای و استدلالی. از آن سو نیز معرفت تام نبی (ص) و وحی جز برای حضرت حق، برای کسی حاصل نمی شود، چرا که دیگران همه فروتر از این دو وجود مقدس- که نور واحدی از منشأ واحدند- می باشند و دستیابی به معرفت تام آنان برایشان مقدور نخواهد بود. حضرت حق در قرآن کریم فراوان درباره پیامبر اکرم (ص) و معرفتی ایشان سخن گفته است که برای آشنایی با جایگاه عظیم نبی اکرم (ص) به این آیات باید مراجعه کرد: در قرآن کریم اطاعت خدا و پیامبر (ص) درکنار هم مطرح و اطاعت از رسول خدا، همان اطاعت خدا شمرده شده است. آزار و ایذاء پیامبر اکرم (ص) موجب عذاب دردناک و لعنت خداوند دردناک و آخرت تلقی شده و دوستی خداوند متعال مشروط به اطاعت از پیامبر اکرم (ص) گردیده است. خلق و خوی الهی پیامبر اکرم و رحمت و عطف آن حضرت مایه انسجام و وحدت مسلمانان به شمار آمده و با تعبیر «و انک لعلی خلق عظیم»؛ توصیف شده، تعبیری که تنها درباره پیامبر به کار رفته است. پیامبر اکرم (ص) عامل رهایی و آزادی مردمان از زنجیرها و بندهای سخت معرفتی شده است.

بندهایی که از سویی خرافات و عادات زشت و از سوی دیگر ستمگران و سلطه جویان بر فکر و اندیشه و رفتار و حرکت تعالی جویانه انسان ها ایجاد کرده اند. او «عبدخدا» معرفتی شده است که با عبودیت و بندگی ذات حق، به عالی ترین درجه عبودیت دست یافته و از همه تعلقات و وابستگی ها رها شده است. گستره فیض و لطف نبی اکرم نه تنها همه مردمان و آدمیان که عالمیان را شامل شده و آن حضرت به عنوان «رحمه للعالمین» معرفتی شده است.... این توصیف ها گوشه ای از معرفتی پیامبر (ص) در قرآن است که مروری همراه با تأمل و درنگ در این آیات و دیگر آیات، می تواند آفاق و ابعاد شخصیت الهی نبی اکرم (ص) را برای ما روشن سازد.

علاوه بر این، برخی سوره های قرآن کریم اساساً در شأن پیامبر اکرم (ص) است و این غیر از سوره هایی است که به وجود مبارک آن حضرت تأویل شده است. «یس»؛ که قلب قرآن کریم است و سرچشمه هایی از معرفت و حکمت از آن جاری است، به پیامبر اکرم (ص) منسوب است. سوره 47 قرآن کریم به نام نامی آن بزرگوار نام نهاده شده است: «محمد» (ص)، علاوه بر این سوره فتح، سوره حجرات، سوره نجم، سوره مجادله، سوره تحریم، سوره قلم، سوره مزمل، سوره مدثر، سوره بلد، سوره ضحی، سوره شرح ،انشراح، سوره تین، سوره علق، سوره قدر و سوره کوثر برخی از سوره هایی است که ناظر به شأن و جایگاه عظیم و مرتبه رفیع آن حضرت در پیشگاه خداوند متعال است. هر کدام از این سوره ها و آیات نورانی آن، مالا مال از حرمت و لطفی است که خالق متعال برای این برترین بنده مقرب خود قائل است.

پیامبر اکرم(ص) نه تنها مبلغ دین الهی و معلم آیات حکمت، که مربی و اسوه انسان ها است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»؛ بنابر این پیوند پیروان آن حضرت با این وجود مقدس، هنگامی معنی دار و مؤثر است که آن بزرگوار را به عنوان

مقتدا، امام، الگو و پیشوای حقیقی بشناسند و در مسلک و سلوک، از ایشان پیروی کنند. آیاتی فراوان از قرآن کریم احکام و دستوراتی را خطاب به پیامبر اکرم (ص) بیان می کند که خطوط روشن الگو بودن آن حضرت را ترسیم و سرمشق هایی را که پیروان آن بزرگوار باید برای خود «اصل« قرار دهند مشخص می نماید. نگاهی گذرا به این سرمشق ها، جامعیت دین و عرصه های گوناگونی را که باید یک مسلمان واقعی بدان توجه داشته باشد تبیین می نماید. این دستورات و احکام صریح و گویا برای هرکسی بدون نیاز به چیز دیگری جز فهم عبارات قرآن کریم، روشن می کند که همه عرصه های عبادی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی، اخلاقی و... در قلمرو الگوبرداری و پیروی از پیامبر اکرم (ص) قرار می گیرد و هیچ زمینه ای از زمینه های اساسی و پایه ای زندگی نهان را نمی یابیم که سرمشق ها و خطوط اصلی آن برای پیروان پیامبر تعیین نشده باشد. اگر قرآن کریم مخاطبان خود را به تأسی و الگوگیری از پیامبر اکرم (ص) فرا می خواند، خود نیز خطوط روشن آن را ترسیم کرده است. عبادت و شب زنده داری، جهاد و مبارزه با کفار و منافقان، رشد دانش و معرفت و آگاهی، مهربانی و تواضع با مؤمنان و هم کیشان، انفاق و کمک به مستمندان و دستگیری از افتادگان، مهربانی با یتیمان و بی سرپرست ها، کسب قدرت همه جانبه برای حفظ استقلال و آسیب ناپذیری جامعه اسلامی، نیکی و خدمت به همگان و صدها دستور و توصیه قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص)، نشان می دهد که پیروان آن حضرت چه خطوط کلی را در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خود باید سرمشق خویش قرار دهند تا بتوانند با مسیر کمال و رشد حقیقی- که آن حضرت در قله آن قرار دارد- هماهنگ شوند و به آنچه او نائل شده بود نزدیک گردند. اکنون می توان به درنگ و تأملی عمیق در این آیات صریح الهی، به ریشه اصلی گمراهی و حیرت و تباهی که امت اسلام بدان دچار آمده است پی برد. اگر فاصله امت با پیامبرش این چنین ژرف و عمیق نبود، هرگز امت پیامبر به چنین روزگاری گرفتار نمی آمد. تفرقه و اختلاف به جای وحدت و اتفاق، جهل و نگرانی به جای علم و آگاهی، ظلم و بی انصافی به جای عدل و داد، رفاه زدگی و اسراف به جای دستگیری و انفاق، دشمنی و خصومت به جای مهربانی و گذشت، انفعال و تسلیم در برابر بیگانگان به جای مقاومت و جهاد حقایق تلخی است که امروز در جهان اسلام شاهد آن هستیم و نشان می دهد فاصله ای ژرف بین امت و پیامبر وجود دارد که جز با بازگشت به قرآن و خطوط روشن آن- که در گرو پیروی و تأسی به تجسم عینی و انسانی آن است- این فاصله ژرف پیموده نخواهد شد.

باشد که به مدد جلوه ای از فیض «رحمه للعالمین« امت او از غفلت و جهالت رهایی یابند. ان شاء الله.

نوشته شده توسط سید حسین محفوظی موسوی